

مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی

دکتر زهرا رهبرنیا* - دکتر زهرا رهنورد**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۹/۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۳/۶

چکیده:

تناقض یا هماهنگی هنر قدسی با وجوه مختلفی از تکنولوژی، موضوع بحث این مقاله است. دغدغه خدشه دار شدن ابعاد قدسی زندگی توسط این پدیده، موجب می‌شود تا جایگاه تکنولوژی در عرصه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. مباحث هنر و تکنولوژی در جهان هستی و نیز قداست و فضای قدسی، مداخلی برای ورود به مقوله فوق‌تر قرار داده شده‌اند که درک منشأ اصلی هنر مقدس و نوع بیان آن را سهل می‌کنند. طرح متغیرهایی از قبیل انسان مقدس، کتاب مقدس، فضا و مکان‌های مقدس، اثبات می‌کند که قداست واقعی نمی‌تواند از آن‌ها آن‌چه ماورای طبیعت است باشد؛ بلکه سایه و روح الهی است که از تقدس وجود خود، در فضا، مکان، انسان و هنر قرار می‌دهد. از این روی، این که اثر هنری با ابزار بدوی و یا تکنیک‌های نوین به ثمر رسیده باشد، در بیان قدسی آن تأثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی:

هنر، تقدس، تکنولوژی، انسان، کتاب مقدس، مکان مقدس.

مقدمه

توسعه و پیشرفت امکانات تکنولوژیک برای دست یابی به قدرت هر چه بیشتر است. در صورت جا به جایی مقصد با مقصود و گم شدن هدف، این احساس توانمندی مطلق، منتج به غروری می‌شود که در تضاد با درک تقدس لازم در زندگی انسان و وجوه مختلف آن از جمله هنرها، قرار گرفته و بروز می‌یابد. در این تحقیق به تبیین قداست، هنر دینی و قدسی؛ از سویی، و از دیگر سو به ابعاد تکنولوژی پرداخته شده تا عوامل مؤثر در قداست زدایی از زندگی و هنر توسط تکنولوژی، ریشه یابی شود.

همراهی اجتناب ناپذیر هنر و تکنولوژی در عصر حاضر، دغدغه خدشه بر ابعاد قدسی هنر را ایجاد می‌کند. بررسی "ابعاد قدسی" در هویت انسانی و "وجوه هنرها"، و نیز روند رشد تکنولوژی، می‌تواند جایگاه و نسبت هر یک را در علوم امروز و عالم هستی مشخص نماید.

چند قرن اخیر، دوران رشد سریع تکنولوژی بوده و گاه این روند، موجب ایجاد احساس قدرتی مطلق در انسان شده که او را از حقایق غافل می‌سازد. حتی به نظر می‌رسد تکنولوژی، خود اسطوره مدرن انسان امروز شده و او، سخت در صدد

هنر در جهان هستی

مردم، سازمان ها، اشیاء زنده و ماشین ها می‌شود» (پسی، ۱۳۶۷، ص ۱۰).

این نگاه، جامع، واقع گرایانه و فراگیر بوده، به دور از محض دیدن علوم و نادیده گرفتن برخی وجوه تکنولوژی است. پس تکنولوژی نتیجه گرایش و تمایل همیشگی انسان به قدرتمندانه‌ترین شکل از رفع نیازهای زیستی‌اش بوده که با سیر تاریخ، توسعه یافته و تمامی وجوه زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در عین حال کمیّت در جوامع انسانی، نیاز روز افزونی را به گسترش تکنولوژی در پی می‌آورد. آن بخش از تکنولوژی که هم راستا با طبیعت حرکت می‌کند، مغایرتی با قداست ندارد و بر عکس، تکنولوژی در مقابله با طبیعت، قطعاً مضرّ به حال جسم و روح انسان است و رشد تکاملی وی را خدشه دار می‌کند؛ لذا می‌توان حد و مرزی برای افعال تکنیکی تعیین کرد. به دیگر بیان، جنبه‌های فرهنگی موجد تکنولوژی از جنبه‌های تکنیکی آن، جدایی ناپذیر است؛ هر چند که موضوعات آشکارتر، مفاهیم دیگر را پنهان می‌کند. لیکن باید دقت داشت تا فعالیت انسانی تحت الشعاع غفلت از هدف، قرار نگیرد.

قداست و فضای قدسی

قدس به معنای "پاکی" و قدسی، به معنای "صالح و نیکوکار" است؛ همین طور مقدس به معنای "جای پاک و پاکیزه"، "به پاکی یاد شده" است.

در هنرهای تجسمی، نمادهای تصویری و نوشتاری در کنار هم به عنوان محملی برای ارسال پیام قرار گرفته، به تفهیم معانی و ایجاد انگیزه و حرکت می‌پردازند؛ حال آن که گاه، معنی متعلق به آن نماد و یا کلمه، در مخاطبین مختلف، تفاوتی فوق تصور دارد؛ چرا که متکی بر ادراکات قبلی و نیز تموجات ذهنی ایشان در شرایط گوناگون است. از این رو به تفسیر و تأویل‌هایی دست زده می‌شود که موجب دوری از حقیقت می‌شود؛ بنابراین نیاز به توجه در سیر انتقال معنی و مفهوم، و نهایتاً بروز نتیجه در عملکرد مخاطب، وجود دارد.

نقش والای هنر در جهان هستی، عرضه نمادین حقیقتی وسیع و ماورایی از دریچه‌ای صوری است و نهایتاً نگاه عمیق به هستی از دیدگاه هنرمند، در هنگام بروز هنر، موجب می‌شود تا همان گونه که در پس طبیعت زمینی، افقی بیکران وجود دارد، در پس هنرها و نمادها نیز عمقی ژرف، رمز آلود و آسمانی، نمایان و شگفتی آفرین شود. این عمق تفکر برانگیز، در هماهنگی با تقدس موجود در جهان هستی قرار دارد.

تکنولوژی در جهان هستی

کلمه "تکنیک" در اصل فرانسوی و به معنی فن، صنعت، علم، هنر و حرفه است؛ همین طور به فن شناسی، علم فن و صنعت، "تکنولوژی" گفته می‌شود. در عین حال نظرات متفاوتی بر محدوده مفهوم تکنولوژی وجود دارد؛ از جمله تعریفی که علم را درون تکنولوژی جای می‌دهد: «کاربرد دانش علمی و دانش منظم دیگر برای امور عملی بوسیله سیستم‌های منظمی که شامل

فضای قدسی و ابعاد هنری مساجد مهم، با توجه به خیل عظیم زائرین، برخوردار از امکانات تکنولوژیک قابل توجهی است که بسیار متناسب و به جا می‌نماید. اما چه خصوصیتی چنین فضایی را قدسی می‌سازد و چه خصوصیتی به تقدس آن لطمه می‌زند؟

همین طور فضای نوشتاری و بصری آثار دو بعدی نوشتاری و بصری موجود در کتب مقدس، از جهت نوع محتوا و نیز تکنولوژی حاکم بر کتابت، قابل قضاوت است.

بیان در هنر مقدس

در هنر مقدس، تأکید بر بیانی و رای ظاهر جسمی اشیاء، برای نمایان‌گری ذات آن‌ها وجود دارد. این نگاه به باطن و ذات هستی، موجب به کارگیری رمز، سمبل و نماد است. «خداوند یک جنبه ترانساندانس (یعنی تعالی و تنزیه) دارد و یک جنبه ایمانانس (یعنی ظهور) دارد. هنر همیشه جنبه ایمانانس دارد. هنر یک امر انتزاعی ذهنی نیست بلکه واقعیتی است که بیش از هر چیز در زندگی تجلی و ظهور دارد و اصلاً زندگی ما با هنر ارتباط دارد. بیست و چهار ساعت شبانه روز را در فضا و محیطی زندگی می‌کنیم که چه بخواهیم یا نخواهیم با هنر مرتبط است و این اهمیت هنر را در زندگی روزمره، و اهمیت هنر مقدس را در فرهنگ دینی بخوبی مشخص می‌کند» (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۱۹).

«به نظر بوركهارت هنری مقدس است که حکایت‌کننده رموز الهی و بازتاب رمزی و کنایی صنع الهی باشد... بنابراین یک مضمون دینی که واجد پرداختی رئالیستی است، مثل هنر رنسانس، نمی‌تواند هنری مقدس و دینی نامیده شود؛ چرا که فاقد آن رمز‌گرایی و کنایات خاص سبک شناختی است که هنر دینی را معنا بخشد... در حقیقت هنر دینی تجربه‌ای زیبا شناختی از امر متعال و قدسی است و امر قدسی از ساختی فراتر از ماده و آسمانی صادر می‌شود» (رهنورد، ۱۳۷۸، صص ۱۵ و ۱۸). کلام الهی، در اوج قداستش، بر محمل‌های متفاوتی قرار گرفته در کنار تجلیات هنری انسان به ظهور می‌رسد.

همین طور این مفهوم از تقدس، به خوبی روشن می‌سازد که خدایان اسطوره‌ای با فیگورهای واقع‌گرایانه، هیچ‌سختی با تقدس ندارد، به ویژه آن که بازتاب صنع الهی نیست. در مقابل فضاهای دینی سمبلیک و نمادین، در نمونه‌های دو و یا سه بعدی همواره یادآور حقایق هستی در مواجهه با انسان است. «اصولاً سمبولیزم اساس خلقت و اساس وحی الهی است و

«تحدید و تعریف قداست»، مستلزم در اختیار داشتن مقدار شایانی از «قدسیات»، یعنی امور و واقعیات قدسی است. و ناهمگونی این «امور قدسی» که در آغاز موجب آشفتگی و اغتشاش ذهن است، اندک اندک، دست و پا گیر می‌شود. زیرا آن امور عبارتند از: آئین‌ها، اساطیر، تمائیل الهی، اشیاء مقدس و نیایشی، رموزها، کیهان‌شناخت‌ها، الهیات، انسان‌های متبرک، جانوران، گیاهان، مکان‌های مقدس، و غیره» (الیاده، ۱۳۷۶، ۲۳-۴). آیا هر آن چه در هر دوره‌ای، به نظر مقدس می‌آمده، به واقع مرتبط با منشأ تقدس است؟ و یا ممکن است توهمی از تقدس باشد. چرا که تنها انعکاس حقیقتی واحد، پاکیزگی و فضای قدسی را به ارمغان می‌آورد.

وسیع‌ترین، عام‌ترین و بخشنده‌ترین فضای قدسی، فضای طبیعت مخلوق خداوندی است که با تجلی حق بودنش، بیشترین قداست را عرضه می‌کند. «فضای قدسی، جایی است که در آن، ارتباط میان جهان ما و جهان دیگر، عالم فوقانی و عالم تحتانی، جهان خدایان و جهان مردگان، ممکن می‌شود و نظر به آنکه، از آغاز، تصویر سه منطقه کیهانی - معمولاً آسمان و زمین و زیر زمین - به ذهن بشر خطور کرده است، پس وی پذیرفته است که پیوستگی میان آنها ناممکن است چون به هم نپیوسته‌اند. به بیانی دیگر، فقط در فضای قدسی عبادتگاه، گذار از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر و خاصه گذار از زمین به آسمان، در وهله نخست، امکان پذیر می‌شود. توجه داشته باشیم که ارتباط میان سه مرتبه کیهان، ایضاً متضمن گسیختگی‌ای وجود شناختی است یعنی گذار از کیفیت وجودی خاصی به کیفیت وجودی دیگری، گذار از حال و وضع گیتیانه به حال و وضع قدسی، یا از زندگانی به مرگ» (ستاری، ۱۳۸۱، ۱۸۰-۱۷۹).

این امکان گذر از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر، و از زمین به آسمان، در عبادتگاه‌هایی از قبیل مسجد النبی و به ویژه مسجد الحرام وجود دارد؛ پس می‌توان آن‌ها را «فضای قدسی» نامید و دیگر این که، «تکنولوژی موجود در این گونه فضاها»، در تناسب با حال و هوای روحانی لازم بوده و لذا شاید تکنولوژی مخرب، از گونه‌ای دیگر و با انگیزه‌ای متفاوت باشد.

«فضای عبادتگاه - چه کوچک و چه شکوهمند - در اصل فضایی قدسی است که فضای عرفی بی حد و حصر و هاویه گون و نسبتاً مجهول، آن را در میان گرفته است. این فضای پیرامون تحقیقاً هاویه گون است، چون سازمان یافته نیست و به درستی شناخته نیست، زیرا حدود و ساختارش، مشخص و معلوم نیست. فضای عرفی، آشکارا در تضاد با فضای قدسی است، زیرا فضای قدسی، دارای حدودی مشخص و کاملاً ساختارمند است و به اصطلاح «مرکزیت یافته»، «متمرکز» است» (همان، ۱۷۷).

هنر مقدس مبتنی بر علم سمبولیزم است، یعنی هر چیزی در هنر مقدس در واقع رمز یک حقیقت برتر است، رمزی است که انسان را به حقایق برتر هدایت می‌کند و به مَثُل اعلا می‌رساند و در نتیجه باعث نوعی شهود محض می‌شود. یک سمبل، بر خلاف آنچه امروز تصور می‌کنند وضعی و قراردادی نیست، یک امر حقیقی و وجودی است. سمبل حقیقت را طبق یک قانون وجودی بیان می‌کند، سمبل در عین اینکه در یک صورت ظاهر شده است، در عین حال راه به بی نهایت دارد... سمبولیزم در هنر غیر دینی اصلاً وجود ندارد» (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۵). چرا که سمبل یا نماد هر چیزی، جوهره آن را به نمایش می‌گذارد و از بیان جزئیات غیر ضروری خودداری می‌کند.

«هنر مقدس در هر چهره و بیانی بر آن است تا حقیقت ذاتی اشیاء و پدیده‌ها و وقایع و رویدادها را برملا سازد. این عیان‌نمایی از دیدگاه متفکران به دو صورت انجام می‌گیرد: در رویکرد نخست، هنری قدسی و مذهبی تلقی می‌شود که حقایق متعالی و ماورائی و دینی را در قالب رمز و نماد، و به صورت تجرید و آبستره به نمایش گذارد و در رویکرد دوم هنرهای مذهبی در صورتی بیان رئالیستی یا ناتورالیستی موفق خواهند داشت که بتوانند مفاهیم دینی را به نحوی بیان کنند که در روند آن حقیقت باطنی اشیاء و رویدادها هویدا گردد... غیر از این دو رویکرد، رویکرد سوم وجود دارد ... و آن نوعی نظریه پردازی است، مبنی بر:

دیدن اشیاء رویدادها و وقایع در آن واحد، هم در چهره عینی و واقعی، و هم در چهره معنا دار و اشارت کننده» (ره‌نورد، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

این نگاه، به نوعی نگرشی ترکیبی را مطرح می‌کند. چرا که بیان صرفاً "تجریدی، رمزی" برای نشان دادن ذات پدیده‌ها در کنار بیان "رئال یا ناتورال"، برای نشان دادن ذات پدیده‌ها و همین‌طور "ترکیب هر دو بیان فوق"، نشان‌گر این است که روح تقدس، حتی بسته به نوع بیان نیز نیست. لذا ابزار بدوی و یا ابزار پیشرفته، هیچ یک نباید قداست آفرین و یا قداست‌زا فرض شوند؛ بلکه به نظر می‌رسد جایگاه قدسی بودن هنر، در پیام مستطر در بطن اثر است.

منشأ هنر مقدس

حال باید دید که آیا منشأ این هنر، "نفس"، و یا "مراتب برتر وجود" می‌تواند باشد، و در هر صورت چه تفاوتی در ماهیت نهایی آن خواهد بود. «انسان فقط در مرتبه نفس خود محدود نمی‌شود، بلکه مراتب و مدارجی دارد برتر از نفس که همان قلب

یا روح و غیره است. اما اگر نفس در حین عمل دارای استقلال باشد و متأثر از مراتب برتر و بالاتر وجود نباشد، بی شک نفسانی است و اثری که با این حالت به وجود آورده می‌تواند به نفسانیت توصیف بشود، ولی در هنر دینی نفس هنرمند چنین نیست. نفس او در واقع یک مرتبه نازل از وجود او است و در نتیجه می‌باید از قوای برتر وجود او متأثر شود... در آن مرتبه معنایی را که دریافت می‌کند بی واسطه از نفس نیست، بلکه از مراتب برتر است، نوعی الهام و اشراق است. اما در اینجا نقش نفس چیست؟ نفس فقط الهام و اشراقی را که از مراتب بالا دریافت کرد در خود تحقق می‌بخشد، و این مسئله بسیار مهم است. بنابراین اگر چه نفس متحقق‌کننده حقایقی است ولیکن این حقایق را از مراتب بالاتر دریافت کرده است. اما در هنر غیر دینی نفس هنرمند دارای استقلال است و متأثر از آن حقایق نیست و به تعبیر دیگر الهامی که به او می‌شود جنبه الهی ندارد» (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶).

پس باز هم ابزار و تکنیک، موجد هنر مقدس نیستند؛ بلکه منشأ الهام هنر است که موجب دمیدن روح تقدس در آن می‌شود. به نظر می‌رسد الهی یا شیطانی بودن انگیزه خلق اثر، به عبارت دیگر برگرفتن آن انگیزه از مراتب برتر وجود یا در مقابل، از نفس محدود و نازل است که موجب احساس تقدس در یک اثر هنری و کاربردی در جوامع انسانی می‌شود. در نتیجه چنین هنری در حالی که از جنبه متعالی انسان نشأت گرفته باشد، در صورت بهره‌گیری از تکنولوژی هم، تنها قالبی برای تجلی یافته و نهایتاً در تعالی انسان، نقش خواهد داشت.

هنر سنتی، هنر دینی

همواره مفهوم هنرهای سنتی، با هنر مردمی و کاربردی همراه بوده است. «در هنر سنتی، ترکیبی از زیبایی و فایده وجود دارد ...

سنت تنها از طریق هنر خویش می‌تواند پیش برود و محیط و شرایطی فراهم کند که در آن حقایق به همه جا منتشر شود؛ محیطی که در آن، آدمی در جهانی از معنا مطابق با حقیقت سنت مورد نظر به سر برد و بزید. به همین خاطر تا آنجا که ضبط‌های تاریخی اجازه می‌دهد، سنت پیش از اینکه نظام‌های فلسفی و الهیاتی خود را تکامل بخشد، هنر مقدس‌اش را خلق نمود و شکل دهی کرد» (نصر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱). کاربردی بودن هنر سنتی، مغایرتی با مقدس بودنش نداشته است. اما طبیعی بودن و مردمی بودنش، چندان سختی با تکنولوژی مدرن ندارد.

اما با وابسته کردن دینی بودن هنر با سبک آرایه‌اش، شاید دیگر نتوان هنر دینی یا مقدس داشت! چرا که همواره سبک‌های

توجه به کیفیت حضور مصادیق تکنولوژی در هر یک، می‌تواند محکی بر زائل شدن تقدس و یا خلاف آن باشد. «اگر چه کعبه را به معنای دقیق کلمه یک اثر هنری نمی‌توان خواند، زیرا بنائی بیش از یک مکعب ساده نیست، ولی به آن چیزی تعلق دارد که شاید بتوان آن را هنر ازلی نامید، هنری که ساحت معنوی آن، بسته به دیدگاه ما، به رمز و تمثیل و یا وحی مطابقت می‌کند. این امر بدین معنی است که رمز و تمثیل درونی کعبه، هم در شکل آن و هم در آداب و شعائر که با آن ارتباط دارد، هر چیزی را که در هنر مقدس اسلام بیان شده است، چون نطفه در بر می‌گیرد» (اعوانی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۰).

اما عبادتگاه نیست که به فضا قداست می‌بخشد، چرا که فضای عبادتگاه، تنها امکان و ابزاری برای عبادت بوده و نمی‌تواند به عمل، قداست بخشد. بلکه بایستی مفهومی قدسی وجود داشته باشد که در کنار و میان دیگر مفاهیم، واقع شده باشد. این که قدسی است به دلیل این نیست که هر آن چه در اطرافش هست نیز قداست دارد، بلکه به جهت مفهوم مستتر در آن، قداست دارد نه به علت عوامل پیرامونی، ابزار و روش بیانیش. چنانچه تجلی قداست در خانه کعبه که فضایی قدسی است، به معنای حضور حقیقتی متعال در آن مکان است. به عبارتی در آن فضا، قداستی به ظهور رسیده که در عین حال با فضای کیهانی پیرامونش متفاوت است، چرا که اجزایی مثل صخره‌ها، کوه‌ها و برج‌های رفیعی که خانه کعبه را محصور کرده، در تضادی مشهود با یکدیگر و نیز با کلیت آن فضای قدسی، قرار دارد. از سوی دیگر آیا وقتی با پله برقی به طبقات مختلف مسجد الحرام وارد می‌شویم، از احساس تقدس مکان عبادت کاسته می‌شود؟ و یا وقتی که سقف متحرک مسجد النبی، سایه افکن بر نمازگزاران می‌شود، چنین خدشه‌ای به قداست آن فضا متصور است؟

امکانات صوتی که در هنگام برگزاری نماز، تمامی قسمت‌های وسیع داخل، حیاط، صحن و حتی خیابان‌های پیرامون را پوشش می‌دهد و صوت خوشی را به نمازگزاران عرضه می‌دارد. امکانات تهویه هوا، ساعت‌های دیجیتالی در تمامی بخش‌های داخلی مسجد الحرام، همگی از مظاهر تکنولوژی است و در عین حال بهترین حالات معنوی در زائران وجود دارد.

حال آن که مغایرتی بین ضروریات امروز با تقدس حاکم بر عبادتگاه‌ها به نظر نمی‌رسد. به ویژه آن که وقتی خیل عظیم جمعیت مسلمانان از اقصا نقاط دنیا در برهه‌ای خاص از زمان راهی خانه خدا می‌شوند، بدیهی است عدم بهره برداری از چنین امکاناتی، تنها موجب صدمه به این افراد شده و مانعی جدی در راه بهداشت، صحت اعمال عبادی و آسایش و اساسا درک تقدس فضا خواهد بود؛ مثل سقف متحرک حرم پیامبر در مدینه، که از

جدید و بیان‌های نوینی وجود خواهند داشت که در تقدس زدایی یا تقدس بخشی به روح یک مفهوم نقشی ندارند، بلکه فردی که آن بیان را به کار می‌گیرد و مفهومی که مد نظر است باید قابلیت درک و بیان و ارائه آن والایی و تعالی را داشته باشند. وگرنه ابزار بدوی یا ابزار مدرن، تنها مخاطبین متفاوتی را جذب کرده، هماهنگی با دوره‌های مختلف تاریخی را معنی می‌کنند و الزاماً ماهیت مفاهیم مستتر در خود را دگرگون نمی‌کنند.

هنر و تکنیک

همنشینی هنر با تمامی مصادیق زندگی در طی همه دوران، در کنار همنشینی تکنیک با تمامی مصادیق زندگی معاصر، اجتناب ناپذیر است. چرا که کمیّت حاکم بر جوامع انسانی امروز، عجین شدن ایشان را با تکنولوژی به عنوان عامل تأمین کننده نیازهای کمی، رقم زده است. «بُعد هنری تکنیک، احتیاج به اجازه ندارد و ناشی از خلاقیت است، اما بُعد محتوایی و مضمونی در تکنیک، البته تا حد زیادی بستگی به ایدئولوژی‌های مختلفی دارد که هنرمندان از آنها الهام می‌گیرند و لذا می‌توان گفت که در هر نوع "ایدئولوژی" و "دستگاه معرفت شناختی"، حدود تکنیک‌ها تفاوت پیدا می‌کنند.

"ایدئولوژی"ی که معتقد به "روش‌های اخلاقی" نیست و یا به طور کلی "فلسفه اخلاق" روشن و مشخصی ندارد و اخلاق را نسبی و قراردادی می‌داند، طبیعی است که هیچ معیار اخلاقی ای برای استفاده از یک تکنیک خاص هنری نخواهد داشت و احتمالاً، جای آن را معیارهای مادی خواهد گرفت؛ اما در "ایدئولوژی"های معتقد به ارزش‌های اخلاقی که بهترین نمونه آنها، "ایدئولوژی اسلامی" است، معیار تغییرات در استفاده و بهره‌وری از تکنیک‌ها، تابع فلسفه اخلاق اسلامی خواهد بود که پایه ایدئولوژی اسلامی را تشکیل می‌دهد» (نبوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

علی‌رغم ناگزیری انسان معاصر از رویارویی با مظاهر تکنولوژیک در زندگی، امکان رعایت حد و مرزها و یا غرقه شدن در این مظاهر، که همان گم شدن هدف و جابجایی مقصد با مقصود است وجود دارد. لیکن در شکل مطلوب و دست یافتنی، مکمل بودن "ایده‌های والا" و "ابزار تکنولوژیک" تسریع و تسهیل کننده در هنرها را داریم.

تکنولوژی و مکان مقدس

از جمله فضاهای قدسی یا مکان‌های مقدس و البته در صدر آنها، "مسجد الحرام در مکه" و "مسجد النبی در مدینه" است.

۶- ساختن تونل خدمات از زیر زمین در توسعه جدید از کتاب "محطه التبرید" تا مدینه حجاج البر به طول ۷ کیلومتر و عرض ۶/۱۰ متر و ارتفاع ۴/۱۰ متر جهت رساندن آب خنک و برق اضطراری به قدرت ۱۲۵۰۰۰ کیلو وات به مسجد شریف نبوی.

۷- توقفگاه خودروها که گنجایش ۴۴۴۴ خودرو دارد. این توقفگاه در زیرزمین است و از همه خدمات لازمه برخوردار (همان. ۲۱۴-۲۱۲).

کتاب مقدس و تکنولوژی

مراد خداوند از نزول قرآن مقدس به عنوان اثری هنری و در عین حال معجزه‌ای حکیمانه، برای مخاطبینی که خود، به مثابه آثار هنری و اعجاب برانگیز هستند، می‌تواند تکمیل عدالت و حکمت مطلق، در راستای هدف از خلقت انسان و برای دستیابی به خیر، سعادت و هدایت باشد.

«الیاده در تعریف پدیده دینی، واژه‌ای به کار می‌برد که در نظرش، رسا و مناسب است: تجلی قداست (hierophanie). هر پدیده دینی، تجلی‌گاه قداست است یعنی در حکم مظهر قداست است. پدیده دینی یا مجلای قداست، همواره یک چیز است یعنی چیزی اسرار آمیز است که همانا تجلی چیزی "کاملاً متفاوت" است، تجلی واقعیتی که به جهان‌مان تعلق ندارد، در چیزهایی که جزء لاینفک جهان طبیعی و ناسوتی مایند.» (ستاری، ۱۳۸۱. ص ۱۰۹)

در قرآن کریم، اوراقی که کلام پروردگار را در بر دارد، محمل انتقال مفاهیم الهی است. پدیده‌ای چون کتاب آسمانی، ظاهری و نیز باطنی دارد. کتاب آسمانی قرآن، عامل ارتباطی مکتوبی است بین پروردگار و مخلوق برگزیده (انسان) تا وی به حقیقت هستی و وجود خویش دست یابد. لذا نمی‌توان تصور کرد ابعاد ظاهری و باطنی مخلوقات و پیام‌گیرها نقشی در تعیین کیفیت ساختار آن نداشته است.

نزول کتب مقدس برای انسان زمینی، که تنها به صورت ضبط و ثبت مفاهیم آن‌ها بر پایه‌ای زمینی مقدر شده، حال در انواع قالب‌های متکی بر تکنولوژی روز قرار گرفته است. چنین شیوه‌هایی، از قداست باطن آن معانی والا نمی‌کاهد بلکه عمومی‌تر و قابل فهم‌تر بودن آن را در بر دارد، که از اهداف پروردگار و مجلای قداست الهی نیز بوده است.

در هنرهایی که مفاهیم معنوی را ارائه می‌کنند. این مفاهیم، تجلی واقعیت‌هایی هستند که به جهان ما تعلق ندارد اما در هنری

مصادیق تکنولوژی در خدمت عبادت و امور قدسی است. لذا شاید بتوان امکانات پیرامونی را به ابزار تکنولوژیک تشبیه کرد که تأثیری بر قداست مفاهیم ندارد.

نگاهی به گذشته و حال مسجد زیبای پیامبر اکرم، با گسترش روز افزون نیازهای تکنولوژیک آن، مواجهه این فضای هنرمندانه و دارای قداست را با این ابعاد روشن می‌سازد. «امروز مسجد شریف نبوی به زیباترین و شکوهمندترین صورت خود در تمام طول تاریخ جلوه می‌کند.

در روز جمعه، نهم ماه صفر ۱۴۰۵ ه. دوم ماه نوامبر سال ۱۹۸۴ م. بعد از نماز جمعه، اولین سنگ بنای توسعه جدید مسجد بر نهاده شد...

فضاهایی که محیط بر مسجد شریف نبوی بود مساحتشان ۲۳۵۰۰۰ متر مربع است. زمینش به مرمر و گرانیب در اشکال هندسی زیبا به شیوه اسلامی و رنگ‌های مختلف زیبا پوشیده شده است و بخش بزرگی از آن را سایبان‌هایی است که به طور خودکار باز و بسته می‌شوند تا بر نمازگزاران هنگام نماز سایه افکنند.

مساحت این سایبان‌ها ۱۳۵۰۰۰ متر مربع است و گنجایش ۲۵۰۰۰۰ نفر را دارند و اما اگر تمام ظرفیت را حساب کنیم می‌تواند ۴۵۰۰۰۰ نفر را در بر گیرد و این شمار تا ۷۰۰۰۰۰ هزار هم می‌رسد و در اوقات ماه مبارک رمضان و حج و عمره و زیارت تا یک میلیون هم می‌توانند به نماز بایستند» (انصاری. ۱۳۷۸. ۲۰۶-۲۰۸).

«این توسعه در روز جمعه، یازدهم ماه ذوالقعدة سال ۱۴۱۴ ه. برابر با ۲۲ آوریل ۱۹۹۴ م. این توسعه پایان یافت. [این مسجد پس از توسعه اخیر از ویژگی‌های زیر برخوردار است:]

۱- استفاده از یک زیر زمین به عمق ۴/۵ متر و به وسعت ۷۹۰۰۰ متر مربع برای وسایل تهویه و تلطیف محیط. این زیر زمین ۸ در دارد.

۲- ساختن پله‌های برقی برای کمک به نمازگزاران در رسیدن به سطحی که برای نماز مهیا شده، همان گونه که در حرم شریف مکی برای نماز در مواقع حج وجود دارد.

۳- احداث سقف متحرک برای پوشش ۲۷ موضع که طول ضلع هر یک از آنها ۱۸ متر است. این سقف‌ها به نیروی برق باز و بسته می‌شود.

۴- افزوده شدن مئذنه‌ها، از چهار مئذنه از روی زمین تا هلال بالای آن، ۱۰۴ متر است.

۵- تهویه نیکو و مناسب؛ به گونه‌ای که هوای خنک از دریچه‌هایی که بر ستون‌ها استوار شده به درون می‌آید.

ملائکه کاملاً روحی است، در حالی که طبیعت انسان روحی - بدنی است و بر این اساس مشتمل است بر همه کیفیات هستی از عالی گرفته تا دانی [دنی به معنی پست و فرومایه است]. به دلیل همین ویژگی بشر مافوق ملائکه است.» (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ۳۴۳) در عین حال «انسان مقدس کسی است که به عالی‌ترین مرتبت شهود حق نایل آمده باشد، تا حدی که با آن کاملاً وحدت یافته باشد و بر همین اساس هم در این جهان رفتار کند، یعنی بر اساس مقتضیات حق که او آن را در خود ساری می‌یابد. خلاصه مطلب آنکه او تجسم انسانی حق است» (همان. ص ۳۱۶). انسان مقدس همان انسان کامل است و «انسان کامل مردمک هستی است، اصل دید و چشم و بینایی است.» پس او عین تقدس است. لذا از چنین انسانی که مردمک هستی است و به عالی‌ترین مرتبت شهود حق نایل آمده، می‌توان انتظار خلق هنر قدسی را با هر وسیله‌ای، با بیشترین رسایی برای بیان منظورش، داشت.

که از جهان ناسوتی ما است، امکان بروز می‌یابد. مثل قرآن که متعلق به جهان لاهوتی است، لیکن بر کاغذ می‌نشیند تا امکان نازل شدن بیابد و حال که به واسطه تکنولوژی پیشرفته، امکان چاپ و تکثیر سهل، سریع و با کیفیت بهتری برای این کتاب مقدس پدید آمده، آیا در روح تقدس آن خللی وارد آمده است؟ در حالی که وقتی صوت آن را از مجلای تکنولوژی روز - کامپیوتر - می‌شنویم و نیز با امکانات روز، امکان ترجمه و ارسال به فرهنگ‌های مختلف، سهل‌تر شده است، به نظر می‌رسد که با اهداف والای ضرورت طرح مفاهیم قرآنی در متن زندگی بشر، هماهنگ‌تر و نزدیک‌تر است.

انسان مقدس و تکنولوژی

نوع بشر با داشتن جنبه وجودی لاهوتی، به جهت برخورداری از روح پروردگار؛ در عین حال نفسی مادی و ناسوتی دارد که امکان زیست او را بر زمین ایجاد می‌کند. اما «ابن عربی جایگاه انسان را برتر از ملائکه می‌داند. از نقطه نظر ابن عربی طبیعت

نتیجه گیری

اول این که افراط و تفریط خاص حاکم بر انسان موجب شود تا برای جبران غلبه طبیعت بر سرنوشت بشر، نه تنها در صدد غلبه بر طبیعت، بلکه در موضع تضاد با آن، و حتی تقابل و حمله به آن توسط ابزار و دستاوردهای تکنولوژی قرار گیرد؛ که خود موجب صدمه به انسان بر اثر مخاطره در آرامش ایشان می‌شود. و دوم حرکت به سوی کسب قدرت مطلق تکنولوژیک و خدایی کردن انسان است که نتیجه‌ای جز ناکامی ناشی از ضعف علم، دانایی و درک حقیقت نداشته، تنها دست‌آوردش، سالاری تکنولوژی بر انسان و خروج از جایگاه تعادل است.

چنین وضعیت دو لبه بودن تکنولوژی، در پی نگاه‌های متفاوتی که به آن می‌توان داشت، جایگاه‌های متفاوتی را برای این پدیده ایجاد می‌کند: چنانچه این تسلط بر طبیعت، برای اسیر کردن انسان و یا برای آزادی بخشی به وی باشد تفاوت بسیاری در نتیجه حاصل می‌شود. لذاست که با طرد تکنولوژی و تأیید بی‌قید و شرط آن، هر دو رد می‌شود؛ چرا که منوط به جایگاه آن در کسوت "سالاری" و یا "خدمت‌گزاری" آن است.

ابتدا و در پرهیز از تکنوکراسی باید توجه کنیم که این تکنولوژی که قرار بوده در خدمت قدرتمندی انسان باشد، نباید در جایگاه آقای و سالاری و حکومت بر انسان قرار گیرد. وگرنه از جایگاه اصلی خود خارج شده و در حالی که قرار بوده آزادی بخش

تمامی عوامل فضا، مکان، انسان و هنر، بی ارتباط با تکنولوژی نبوده و لذا همنشینی هنر با تکنولوژی را نمی‌توان به طور کلی مخرب روح تقدس هنر دانست. هنر که پایه ظاهری ملموس را بهانه‌ای برای بیان مفاهیم والا یافته؛ و نمودش در معماری و کتابت با کاربردی انسانی و هویتی قدسی بروز می‌یابد. - بهترین مثال این مدعا برای عام و خاص، اماکن مقدسی از قبیل مسجدالحرام و مسجدالنبی است که با بهره گیری از تکنولوژی لازم و متناسب با کاربری خاص خود، روح تقدس را نیز در بالاترین شکل، دارا هستند.

- مثال دیگر، کتاب مقدس قرآن است؛ که با دو جنبه وجودی هم در باطن، که ابعاد ماده و معنا را در انسان مورد توجه قرار داده و هم در ظاهر، که بر پایه‌ای زمینی مکتوب شده و قالب مادی به خود گرفته است، مملو از تقدس است.

قداست واقعی نمی‌تواند از آن هر آن‌چه ماورای طبیعت است باشد؛ بلکه سایه و روح الهی است که از تقدس وجود خود، در فضا، مکان، انسان و هنر قرار می‌دهد. از این روی، این که اثر هنری با ابزار بدوی و یا تکنیک‌های نوین به ثمر رسیده باشد، در بیان قدسی آن تأثیری ندارد.

لیکن امکان مخدوش شدن نقش و جایگاه تکنولوژی، به چندین گونه وجود دارد:

خدایان مواجه می‌شود؛ همچنان که در مغرب زمین این مسیر طی شده است.

در نتیجه، به کارگیری تکنولوژی به عنوان ابزاری تسهیل کننده می‌تواند بیان ایزوتریک (Esoteric) را مدد رسان باشد؛ در عین حال قداست هنر، منشأ دیگری در روح هنرمند دارد و ملهم از روح الهی است. در حالی که برای انسان لجام گسیخته، مرزهای حقیقت، نیاز و قدرت همگی شکسته و تلقی بهره برداری از تکنولوژی، سمت و سویی دیگر دارد که نه تنها اثری از قداست ندارد، بلکه مضر به حال خود و جامعه نیز هست. حال چنین ابعدی از تکنیک در همجواری هنر، علم و هر چه قرار بگیرد، قداست آن را زایل می‌سازد.

باشد، اسارت بار می‌شود؛ که نگاه محض و یک سوپه به آن، چنین نهایی را برایش در بر دارد.

به عبارتی در صورتی که هدف از تکنولوژی، به کارگیری علم و دانش برای وصول به آرامش انسان باشد، جایگاهش "قدرت بخشی به انسان"، "ایجاد سهولت در حیات بشری"، "تأمین نیازهای زیستی و حتی متعالی بشر" می‌شود.

در غیر این صورت می‌تواند بر هم زنده نظم طبیعت و تقویت کننده حس قدرت مطلق بودن باشد؛ که فی نفسه، مخرب است. به ویژه اگر فرد، خود را بدون تفکر و نقد، به آن سپرده، اسیر روزمرگی و انفعال شود، ابزار بی اراده دست تکنولوژی قرار گرفته و از منزلت انسانی دور خواهد افتاد. چرا که رابطه اش با طبیعت، در هم ریخته و در صورت انحطاط ارزش‌هایش، با غروب

فهرست منابع:

- اعوانی. غلامرضا (۱۳۷۵)، "حکمت و هنر معنوی"، انتشارات گروس، تهران
 الیاده. میرچا (۱۳۷۶)، "رساله در تاریخ ادیان"، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران
 انصاری. ناجی محمد حسن عبدالقادر (۱۳۷۸)، "تعمیر و توسعه مسجد شریف نبوی در طول تاریخ"، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر مشعر، تهران
 ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸)، "صوفیسم و تائوئیسم"، ترجمه محمد جواد گوهری، انتشارات روزنه، تهران
 پیسی. آرنولد (۱۳۶۷)، "تکنولوژی و فرهنگ"، ترجمه بهرام شالگونی، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران
 رهنورد، زهرا (۱۳۷۸)، "حکمت هنر اسلامی"، انتشارات سمت، تهران
 ستاری، جلال. (گردآورنده و مترجم) (۱۳۸۱)، "اسطوره و رمز در اندیشه‌ی میرچا الیاده"، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران
 نبوی. سید عباس (۱۳۷۸)، "چیستی هنر"، مرکز پژوهش‌های اسلامی، تهران
 نصر، سید حسین (۱۳۸۰)، "معرفت و امر قدسی"، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، انتشارات فرزاد، تهران